

بسمه تعالی

متن سخنرانی در مراسم رونمایی از ترجمه روسی کتاب «سنجه‌هایی در دین پژوهی معاصر»

که در آکادمی فلسفه روسیه در مسکو ارائه شده بود.

حمیدرضا آیت‌اللهی

استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی

سه سال قبل در کنفرانسی با عنوان فلسفه تطبیقی در همین مکان، مقاله‌ای ارائه کردم و در آن به امکان و معنا و اهمیت فلسفه تطبیقی پرداختم و در آن متذکر شدم انسان وقتی خود را می‌شناسد که حدود خود را دقیقاً فهم کند. حدود اندیشه یک انسان تا آنجایی گسترش می‌یابد که از آن پس قلمرو دیگری شروع می‌گردد. لذا برای فهم هر نوع اندیشه‌ای بهترین راه، درک وجه تمایز یا تشابه آن اندیشه با اندیشه‌های دیگر است. اگر کسی نتواند اندیشه‌های دیگر را درک کند نمی‌تواند حدود اندیشه خود را دریابد. در دیگری است که ما می‌توانیم خود را بیابیم. فلسفه حوزه‌ای است که این ویژگی را از سایر حوزه‌های اندیشه‌ای بیشتر دارد.

یکی از دغدغه‌های فلسفی انسان معاصر مسائل دینی است که روز به روز اهمیتش بیشتر می‌گردد. اما موضوعات دینی در اندیشه فلسفی معاصر غرب در یک سنت بیار آمده است که در محدوده خود به تلاش پرداخته است. این تلقی‌ها از دین چه در میان دینداران و چه ملحدان، در حصار تفکر غربی مانده است. یکی از بنیادهای تفکر غربی نیز مسیحیت است. تلاش فلسفی غرب برای تحلیل دین و گزاره‌های دینی، در فضای تفکر مسیحی نفس می‌کشد و از درک دیگر فضاها دینی دیگر بازمانده است، و به تجزیه و تحلیل آنها در پارادایم مسیحیت غربی می‌اندیشد. گسترش مبادلات فرهنگی در جهان کنونی این برکت را به همراه داشته است که هم برای تفکر غربی و هم برای تفکر اسلامی شناخت و درک عمیق‌دیگران ضرورت یافته است تا بخوبی بتوانند هریک خود را بشناسند.

آثار ارزشمندی در دین پژوهی معاصر در فضای اسلامی و مسیحی بوجود آمده است که تلاقی آنها به درک محدوده‌ها و ویژگی‌های هریک می‌انجامد. در این کتاب سعی شده است ضمن بازشناختن مطالعات دینی در فضای اسلامی با تلاقی آن با اندیشه غربی و بازشناختن اندیشه مسیحی غربی در تمایزهای آن با اندیشه دینی اسلامی به تفکری فلسفی درباره دین پژوهی معاصر دست یابیم. لذا

کوشش شده است بر مرزهای این دو تفکر بنشینیم و نظاره گر مسائل بنیادین دینی در دو جانب مرز باشیم و درک عمیق تری از پاسخ های دو سنت فکری معاصر به برخی از دغدغه های دینی کنونی بپردازیم و بباییم هریک چه پاسخی را به پرسشهای انسان معاصر می دهند و این پاسخ ها چه شباهت ها و اختلافهایی با یکدیگر دارند.

در گفتار اول، استدلالهای فلسفی که در موضوع زیربنایی وجود خداوند داشته اند ارزیابی شده است و سعی شده نشان داده شود که برهان آوری بر وجود خداوند به عنوان تلاشی فلسفی برای مهمترین بحث دین پژوهی، در هر دو سنت چه تحول و جریانهایی را داشته اند و قالبهای آنها چه تفاوتهایی با هم دارد و چگونه هریک می تواند به بالندگی دیگری یاری رساند. این نوع نگاه تا کنون به این مساله نشده است.

در گفتار دوم، چالشهای فلسفی معاصر که در قالب فلسفه زبانی جلوه گر شده است و دامن گزاره های دینی را گرفته است در دو سنت واکاویده شده است و رویکرهای متفاوت اسلامی و غربی به موضوع معنای گزاره های دینی نشان داده می شود.

در گفتار سوم، به دغدغه های اخلاقی انسان معاصر پرداخته شده است که تمامی حوزه های فکری بشر را در بر گرفته است. در این باره تجزیه و تحلیل شده است چگونه تفکر دینی می تواند در دستور العملهای اخلاقی موثر باشد؛ چرا که اخلاق از حقایق ذاتی حکایت می کند که حسن و قبح عقلی ملاک آن است نه دین. حال اگر بخواهیم به حسن و قبح عقلی در اخلاق معتقد باشیم چگونه می توانیم از یک اخلاق دینی سخن بگوییم. برای آنکه موضوع عملی تر گردد در این زمینه اخلاق پزشکی را مبنای تجزیه و تحلیل خود قرار دادیم.

در گفتار چهارم، موضوع علم و دین بررسی شده است و به وجهی از دین اشاره گردیده است که باعث برآمدن و رشد علم گردیده است. آموزه های دینی از لحاظ تاریخی موجب امکان دستیابی به علم را فراهم کرده اند. در این مقاله به این نکته در رابطه علم و دین پرداخته شده است.

در گفتار پنجم، به حضور اجتماعی و جهانی دین توجه شده است. موضوع جهانی شدن شرایط نوظهوری بوجود آورده است که می تواند با دین تاثیر و تاثر داشته باشد. همچنین دنیای معاصر دنیای رسانه ای شده است که مبنای قدرت و ثروت را برای دارندگان رسانه های پدید آورده است. در این مقاله بررسی می کنیم موضوع جهانی شدن و رسانه های جدید از چه جنبه هایی برای دین فرصت و از چه جنبه

هایی تهدید به حساب می آیند. ضمناً به نکاتی درباره تفاوت‌های اسلام و مسیحیت در رویکرد دینی به جهانی شدن و رسانه نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در گفتار ششم، به جریان‌های دین ستیز و مشکلاتی که با آن مواجه هستند خواهیم پرداخت. نشان می‌دهیم که مجموعه ارزش‌های دینی چگونه در تضاد با انواع ارزش‌های تفکر سکولار است. این نوع نگرش از اساس می‌تواند به کاستن ارزش‌های دینی هم در اسلام و هم در مسیحیت منجر شود. ضرورت همکاری‌های دوجانبه بین اندیشمندان دینی مسلمان و مسیحی برای تغییر نگرش ارزشی انسان معاصر مورد توجه قرار می‌گیرد. نهایتاً نقش اسلام و مسیحیت برای ارزش بخشیدن به زندگی بشر که در پوچی ناشی از خداگریزی سردرگم مانده است مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در گفتار آخر، تشنگی انسان معاصر برای عدالت اجتماعی واکاویده شده است. وپس از آن نقش سازنده اسلام و مسیحیت برای برپایی عدالت گوشزد گردیده است. نهایتاً تفاوت هر یک از این دو حوزه اندیشه در برپایی عدالت بررسی گردد.

امید است اینگونه تلاشها بتواند در مسیر تعامل و همفکری قطب‌های اندیشه‌ای غرب و اسلام یار رساند.

در انتها از سازمان مطالعات اسلامی در روسیه سپاسگزارم که با دقت فراوان ترجمه و ویرایش این کتاب را صبورانه به انجام رساندند. مخصوصاً از دوست عزیزم جناب آقای دکتر هادوی که پیگیری و مساعدت فراوان نمودند تا این اثر به زبان روسی درآید قدردانی می‌کنم.